

7 چه خوشی بزرگی است  
دیدن پیام‌آوری که از فراز کوهها به زیر می‌آید،  
و مزده صلح را می‌آورد.  
او پیروزی را اعلام می‌کند و به صهیون می‌گوید:  
«خدا پادشاه شماست!»  
8 محافظان شهر از شادی فریاد می‌زنند،  
و مردم همه با هم با شادی فریاد می‌زنند.  
انها با چشم خودشان،  
بازگشت خداوند را به صهیون مشاهده می‌کنند.  
9 ای خرابه‌های اورشلیم  
فریادهای شادی سر دهید!  
خداوند شهر خودش را آزاد می‌کند،  
و به قوم خودش تسلی خواهد داد.  
10 خداوند با قدرت مقدس خود،  
قوم خویش را نجات می‌دهد،  
و تمام جهان شاهد آن خواهند بود.

## Erster Christtag

Das Wort ward Fleisch und wohnte unter uns, und wir sahen seine Herrlichkeit.

کلمه انسان شد و در میان ما ساکن گردید.  
ما شکوه و جلالش را دیدیم.

Johannes 1,14a

### Eingangspsaln (Introitus) Gesangbuch: 07 (Seite 49)

برای ما فرزندی زاییده، پسری به ما داده  
شده است  
اسم او «مشاور عجیب، خدای قدیر، پدر  
سرمدی و شاهزاده صلح و سلامتی» خواهد  
بود.  
برای خداوند سرودی تازه بسرایید، زیرا او  
کارهای شگفت‌انگیز انجام داده است،  
خداوند پیروزی خود را اعلام کرد و قدرت  
نجات بخش خود را به سایر ملل نشان داد.  
او با صداقت و محبت پایدار خود به قولی  
که به قوم اسرائیل داده بود وفا کرد و تمام  
مردم جهان، پیروزی خدای ما را مشاهده  
کردند.  
ای ساکنان زمین، با شادی برای خداوند  
سرود بخوانید، با سرودهای خود و آواز  
شادی او را بپرستید.  
خدا پدر و پسر و روح‌القدس جلال بش.

از اول بود. الان. و تا ابد

Uns ist ein Kind ge- / boren, \* ein  
Sohn ist / uns gegeben.  
Und er heißt Wunder-Rat, / Gott-  
Held, \* Ewig- / Vater, Friede-Fürst.  
Singet dem HERRN ein / neues  
Lied, \* denn / er tut Wunder.  
Der HERR lässt sein Heil kund- /  
werden; \* vor den Völkern macht er  
seine Ge- / rechtigkeit offenbar.  
Er gedenkt an seine Gnade und  
Treue für das Haus / Israel, \* aller  
Welt Enden sehen das / Heil uns-  
res Gottes.  
Jauchzet dem HERRN, / alle Welt, \*  
singet, / rühmet und lobet!  
Ehre sei dem Vater und dem /  
Sohne \* und dem / Heiligen  
Geiste,  
wie es war im Anfang, jetzt und /  
immerdar \* und von Ewigkeit zu /  
Ewigkeit. Amen.

## Lesung aus dem Alten Testament

Micha 5,1-4a (Farsi: 5,2-5a)

- 2 ای بیت لحم افراته، گرچه تو از کوچکترین شهرهای یهودا هستی، ولی از تو پیشوایی ظهور می‌کند که نسل او از قدیم وجود داشته است. او بر قوم اسرائیل حکمرانی خواهد کرد.
- 3 خداوند قوم خود را تا زمانی که زن حامله پسری به دنیا بیاورد، به دست دشمن تسلیم می‌کند. آنگاه بقیّه مردمی که در تبعید به سر می‌برند به وطن خود بازمی‌گردند و با سایر قوم اسرائیل در یک‌جا جمع می‌شوند.
- 4 وقتی آن پیشوا بیاید، با قدرت و جلال خداوند خدای خود، مردم خود را رهبری می‌کند. قوم او در آرامش و امنیت به سر می‌برند، زیرا مردم سراسر روی زمین از بزرگی و عظمت او آگاه می‌شوند.
- 5 او صلح را به جهان می‌آورد.

## Lesung aus einem neutestamentlichen Brief

Titus 3,4-7

- 4 اما هنگامی که مهر و محبت نجات‌دهنده ما خدا، آشکار شد،
- 5 او ما را نجات داد. اما این نجات به خاطر کارهای نیکویی که ما کردیم نبود، بلکه به سبب رحمت او و از راه شستشویی بود که به وسیله آن، روح القدس به ما تولد تازه و حیات تازه بخشید.
- 6 زیرا خدا روح القدس را به وسیله عیسی مسیح نجات‌دهنده ما، به فراوانی به ما عطا فرمود
- 7 تا به وسیله فیض او کاملاً نیک محسوب شده و مطابق امید خود، وارث حیات جاودانی گردیم

## Evangelium

Lukas 2,1-20

- 1 در آن روزها به منظور یک سرشماری عمومی در سراسر دنیای روم فرمانی از طرف امپراتور اوغسطس صادر شد.
- 2 این اولین سرشماری بود و در آن هنگام کربنیوس فرماندار کلّ سوریه بود.
- 3 پس برای انجام سرشماری هرکسی به شهر خود می‌رفت
- 4 و یوسف نیز از شهر ناصره جلیل به یهودیه آمد تا در شهر داوود، که بیت لحم نام داشت نامنویسی کند، زیرا او از خاندان داوود بود.
- 5 او مریم را که در این موقع در عقد او و یاردار بود همراه خود برد.
- 6 هنگامی که در آنجا اقامت داشتند وقت تولد طفل فرا رسید
- 7 و مریم اولین فرزند خود را که پسر بود به دنیا آورد. او را در قنذاق پیچیده در آخوری خوابانید، زیرا در مسافرخانه جایی برای آنان نبود.
- 8 در همان اطراف در میان مزارع، چوپانانی بودند که در هنگام شب از گله خود نگهبانی می‌کردند.
- 9 فرشته خداوند در برابر ایشان ایستاد و شکوه و جلال خداوند در اطرافشان درخشید و ایشان سخت وحشت کردند.
- 10 اما فرشته گفت: «تترسید، من برای شما مژده‌ای دارم: شادی بزرگی شامل حال تمامی این قوم خواهد شد.
- 11 امروز در شهر داوود نجات‌دهنده‌ای برای شما به دنیا آمده است که مسیح و خداوند است.
- 12 نشانی آن برای شما این است که نوزاد را در قنذاق پیچیده و در آخور خوابیده خواهید یافت.»
- 13 ناگهان با آن فرشته فوج بزرگی از سپاه آسمانی ظاهر شد که خدا را با حمد و ثنا می‌سراییدند و می‌گفتند:
- 14 «خدا را در برترین آسمانها جلال و بر زمین در بین مردمی که مورد پسند او می‌باشند صلح و سلامتی باد.»
- 15 بعد از آنکه فرشتگان آنان را ترک کردند و به آسمان رفتند، چوپانان به یکدیگر گفتند: «بیایید، به بیت لحم برویم و واقعه‌ای را که خداوند ما را از آن آگاه ساخته است ببینیم.»
- 16 پس باشتاب رفتند و مریم و یوسف و آن کودک را که در آخور خوابیده بود پیدا کردند.
- 17 وقتی کودک را دیدند آنچه را که درباره او به آنان گفته شده بود بیان کردند.
- 18 همه شنوندگان از آنچه چوپانان می‌گفتند تعجب می‌کردند.
- 19 اما مریم تمام این چیزها را به خاطر می‌سپرد و درباره آنها عمیقاً می‌اندیشید.
- 20 چوپانان برگشتند و به خاطر آنچه شنیده و دیده بودند خدا را حمد و سپاس می‌گفتند، زیرا آنچه به ایشان گفته شده بود اتفاق افتاده بود.